

نقش ابعاد اخلاقی در بهسازی تبلیغ

لطف‌الله خراسانی*

چکیده

تبلیغ دین و هدایت مردم به ارزش‌های الهی، از اصول رسالت و سنت پیامبران و جوهرهٔ ادیان توحیدی و از شاخصه‌های مهم دینداری پیروان انبیا به‌شمار می‌آید. برای بهسازی انجام این وظیفهٔ الهی شایسته است تبلیغ در حوزه‌های مختلفی همچون «محتوای تبلیغ»، «مخاطب‌شناسی» و «بایسته‌های مبلغ» بررسی شود که البته در هر حوزه اقتضائات ویژهٔ خود را می‌طلبد. در این پژوهش ابعاد اخلاقی مبلغ در بهسازی تبلیغ بررسی می‌شود. در شرایط آسمانی، تبلیغ دین برپایهٔ دین‌فهمی و دین‌داری مبلغ و آراستگی او به فضائل اخلاقی بنا شده است؛ از این رو، شناخت بایسته‌های مبلغ و بهره‌گیری از فضائل اخلاقی براساس آیات قرآن و منابع دینی، برای بهبود ظرفیت‌های عرصهٔ تبلیغ و ارتقای ابعاد اخلاقی، از ضرورت‌های امر تبلیغ به‌شمار می‌رود. اگر سخن‌گوینده براساس باور قلبی باشد و از عمق جانانش برخیزد، تأثیر دعوت او به ارزش‌های الهی دوجندان می‌گردد. این پژوهش می‌کوشد آن دسته از فضائل اخلاقی را که پیامبران و اولیای الهی در راستای وظیفهٔ تبلیغی خویش به آن آراسته بودند و نقش بسزایی در موفقیت تبلیغی آنان داشت، بررسی کند و بدین وسیله بر کارآمدی روش‌های تبلیغی بیفزاید.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



واژگان کلیدی

تبلیغ، فضائل اخلاقی، اخلاص، شجاعت، شرح صدر، خیرخواهی.

مقدمه

اخلاق و تبلیغ، دو اصطلاح شناخته شده و رایج با پیشینه‌ای بسیار دور در مفاهیم دینی به‌شمار می‌آیند. البته شاخصه‌های تعریف اخلاق در جهان‌بینی آیین‌های توحیدی با جهان‌بینی آیین‌های غیرتوحیدی تفاوت‌های ماهوی و حقیقی دارد؛ برای مثال، در تعریف اخلاق اسلامی، «نیت» اهمیت ویژه‌ای دارد و از آن به‌منزله رکن و روح عمل تعبیر شده است؛ به‌گونه‌ای که نبودن آن موجب بی‌ارزش شدن عمل می‌گردد؛ درحالی‌که بسیاری از دانشمندان مادی هر کار نیکی را با هر انگیزه‌ای، اخلاقی معرفی کرده‌اند و در نتیجه، رفتارهای فریکارانه که با انگیزه‌های مادی و ارتکاب جنایات انجام می‌شود، اخلاق نیک به‌شمار می‌آید.

تبلیغ نیز از اصطلاحاتی است که با گذشت زمان بر اهمیت آن افزوده شده است؛ به‌گونه‌ای که دنیای امروز را دنیای ارتباطات و رسانه دانسته‌اند و بشر از نظر فناوری تبادل اندیشه‌ها و پیام‌ها به قله‌های بلندی دست یافته و توانسته است ایستگاه‌های ماهواره‌ای مخابراتی رادیو و تلویزیون و فضای مجازی را راه‌اندازی کند. بشر امروز از نظر سلطه بر ابزار مادی و تولید آن، مشکل چندانی ندارد. مشکل اصلی وی در این زمان، بی‌ایمانی و محرومیت از نظام عقیدتی و اخلاقی متکی بر عقل و وحی و فطرت است.

براساس جهان‌بینی اسلام، تبلیغ باید بر پایه آموزه‌های وحیانی و فطری باشد و اصول اخلاقی در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها حضور داشته باشد. یکی از این عرصه‌ها، تبلیغ و هدایت مردم به ارزش‌های الهی است که وظیفه همه پیروان ادیان توحیدی به‌شمار می‌آید.

اخلاق و تبلیغ

اخلاق جمع «خُلُق» یا «خُلُق»، به معنای طبیعت و سرشت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۸۶). واژه «خُلُق» برای سرشت، سیرت و اوصاف باطنی و واژه «خُلُق» برای صورت و اوصاف ظاهری انسان به‌کار می‌رود (ر. ک: زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۱۲۴). این دو کاربرد





در دعای پیامبر ﷺ آمده است: «اللَّهُمَّ حَسِّنْ خُلُقِي وَ خُلُقِي»؛ «خدایا، صورت و سیرتم را نیکو گردان» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۱۹).

در اصطلاح علم اخلاق، «خُلُق» ملکه نفسانی است که باعث می شود انسان بدون نیاز به تفکر و درنگ، به آسانی کارهای مناسب با آن را انجام دهد (نراقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۵۰). عده ای معتقدند هرکاری که به حُسن یا قبح متصف باشد و صاحب آن مستحق مدح یا نکوهش باشد، اخلاق نامیده می شود (مصباح: ۱). بیشتر اندیشمندان غربی، هر کار نیکی را اخلاق دانسته و اعمال زشت و رفتارهای شرورانه را خلاف اخلاق معرفی کرده اند. اشکال عمده این تعریف این است که در آن فقط به شکل و قالب عمل توجه شده و نقش نیت و انگیزه نادیده گرفته شده است؛ از این رو، رفتارهای فریبکارانه و اعمالی که با انگیزه ارتکاب جنایات، با ظاهری زیبا، صورت می پذیرد نیز اخلاق نیک به شمار می آید (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۰).

تبلیغ از ریشه «بلغ» به معنای رسیدن به چیزی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۰۱). تبلیغ مصدر باب تفعیل، متعدی و به معنای رساندن است. این واژه در زبان فارسی کاربردی اصطلاحی یافته و به رساندن پیام یا خبر دینی اطلاق می شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه «تبلیغ»). درباره معنای اصطلاحی تبلیغ تعاریف مختلفی ارائه شده است که چند مورد آن عبارت است از: الف) اندیشمند غربی «کیمبال یونگ» می نویسد: تبلیغ، نشر افکار و عقاید و اوضاع رفتاری است که موضوع واقعی را برای شنونده یا خواننده به روشنی بیان نمی کند (رهبر، ۱۳۷۱: ۸۳؛ ب) محمد قطب معتقد است تبلیغ اسلامی، بازگ کردن اندیشه و نظام حیاتی امت اسلامی است (همان: ۹۳؛ ج) شهید مطهری در بیان فرق تبلیغ با امر به معروف و نهی از منکر می گوید: تبلیغ مرحله شناساندن و خوب رساندن است؛ ولی امر به معروف و نهی از منکر، مرحله اجرا و عمل است (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۲۳).

اهمیت رشد فضائل اخلاقی

مهم ترین هدف از بعثت انبیای الهی - به ویژه پیامبر اسلام ﷺ - و ارسال کتاب های آسمانی، تزکیه نفس انسان ها و رشد فضائل اخلاقی بوده است؛ زیرا بدون اخلاق، نه دین برای مردم



مفهوم درستی دارد و نه امور دنیوی آن‌ها سامان می‌یابد. بر همین اساس، قرآن کریم تزکیه و پاک‌سازی مردم از رذیلت‌های اخلاقی را از اهداف مهم بعثت پیامبر اسلام ﷺ برشمرده است: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ...﴾ (جمعه، ۲). در این آیه، مراد از «تزکیه»، تطهیر است که پاک‌سازی از عقاید فاسدی چون شرک و کفر، پاک‌سازی از ملکات رذیله‌ای مثل کبر و بخل و پاک‌سازی از اعمال زشتی مانند آدم‌کشی، شراب‌خواری و زنا را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۲۶۵). احادیث معصومان (علیهم‌السلام) نیز به روشنی این حقیقت را بیان می‌کند که اخلاق در مجموعه معارف دینی، جایگاهی بنیادی دارد؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرمود: «من فقط برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام»؛ «يُعِثُّ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۷۳ و ۳۸۲). از این حدیث و احادیث مشابه (ر. ک: همان، ج ۱۶: ۲۸۷) چنین برمی‌آید که بعد از تکمیل مکارم اخلاق، هدف نهایی بعثت که آشنایی با معارف حقیقی الهی است، خودبه‌خود محقق می‌شود.

فضائل اخلاقی باید در عرصه‌های مختلف زندگی انسان حضور جدی و مستمر داشته باشند تا به‌صورت ملکه درآیند. یکی از این عرصه‌ها، تبلیغ و هدایت مردم به ارزش‌های الهی و انسانی است که خداوند در وصف مبلّغان دین می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (احزاب، ۳۹). این آیه در شأن و مقام پیامبران الهی و مبلّغان راستین نازل شده است. قرآن کریم، تبلیغ دین را سیره و سنت تمام پیامبران الهی و از شاخصه‌های مهم دین‌داری پیروان انبیا معرفی می‌کند و براساس دستوری عام از مؤمنان می‌خواهد تا جمعی از آنان برای کسب معارف دینی هجرت کنند و پس از بازگشتن، به انداز قوم خود پردازند: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ (توبه، ۱۲۲).

ضرورت بهره‌مندی مبلّغان از فضائل اخلاقی

برای آنکه دعوت و تبلیغ دینی سودمند واقع شود، برنامه‌ریزان امر تبلیغ و مبلّغان باید از فضائل اخلاقی بهره‌مند باشند. خداوند درباره آراستگی پیامبران به فضائل اخلاقی سخن گفته

و پیامبر اسلام را دارای اخلاق عظیم و برجسته دانسته است و در ستایش از وی چنین می‌فرماید: ﴿وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم، ۴). کلمه «خُلُق» به معنای ملکه نفسانی است که افعال بدنی به اقتضای آن ملکه، به آسانی از آدمی سر می‌زند؛ اعم از آنکه این ملکه از فضائل باشد مانند عفت و شجاعت و امثال آن یا از رذایل مانند حرص و جبن و امثال آن باشد؛ ولی اگر مطلق ذکر شود، فضیلت و خُلُق نیکو از آن فهمیده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۹: ۳۶۹). بر پایه روایتی از ابن عباس، مقصود از «خُلُق عظیم»، دین اسلام و مدح رسول اکرم ﷺ است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹: ۱۲).

افزون بر قرآن، پیامبران الهی نیز بر بهره‌مندی خود از فضائل اخلاقی در تبلیغ دین تأکید داشتند؛ چنان‌که حضرت نوح علی‌ه السلام درباره امانت‌داری خود در امر تبلیغ می‌فرماید: ﴿إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ. إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾ (شعراء، ۱۰۶ و ۱۰۷). دیگر پیامبران الهی مانند هود علی‌ه السلام (اعراف، ۱۷۸)، صالح علی‌ه السلام (شعراء، ۱۴۳)، لوط علی‌ه السلام (شعراء، ۱۶۲) و شعیب علی‌ه السلام (شعراء، ۱۷۸) بر امانت‌داری خویش در امر تبلیغ تأکید داشتند.

پیامبر اسلام ﷺ که از سوی خداوند برای مردم الگو معرفی شده است، خود به فضائل اخلاقی آراسته بود: (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ...) (احزاب، ۳۳)؛ به همین دلیل، توانست مردم عصر خویش را به اوصاف اخلاقی آراسته گرداند؛ به گونه‌ای که غیر مسلمانان، به ظهور امتی زنده، پرشور، پویا و پایبند به اصول و ارزش‌های انسانی در پرتو ایمان و اخلاق اعتراف کردند. جان دیون پورت، دانشمند انگلیسی، در این باره می‌نویسد: «محمد ﷺ، یک عرب ساده، قبایل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خود را به جامعه‌ای فشرده و مطیع مبدل کرد و در میان ملت‌های روی زمین، آن‌ها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی کرد» (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۲: ۱۳).

رسول خدا ﷺ در حدیثی درباره اهمیت فضائل اخلاقی می‌فرماید: «خداوند مکارم اخلاق را وسیله ارتباط میان خود و بندگان قرار داد. همین بس که هر یک از شما دست به اخلاقی بزند که او را به خدا پیوند دهد»؛ «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ صِلَةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ فَحَسْبُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِخُلُقٍ مُّتَّصِلٍ بِاللَّهِ» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۳).





به تعبیر دیگر، خداوند بزرگ‌ترین معلم اخلاق و مربی نفوس انسانی و منبع تمام فضائل است و قرب به او جز از طریق تخلّق به اخلاق الهی ممکن نیست. امیرمؤمنان علی علیه السلام بهره‌مندی از فضائل اخلاقی را برای سعادت و نجات و پیروزی هر انسانی ضروری می‌داند: «لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نُحْشَى نَارًا وَلَا ثَوَابًا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَأَنَّا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ» (همان، ج ۱: ۲۲). حضرت علی علیه السلام در حدیث دیگری فرمود: «هرکس (با خودسازی) نفس خویش را تهذیب نکند، از عقل بهره‌مند نگردد»؛ «من لم يهذب نفسه لم ينتفع بالعقل» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷ق: ۲۲۷، ح ۱۳۱۹). آراستگی به فضائل اخلاقی موجب قبولی عبادت می‌شود. براساس حدیث قدسی، خداوند نماز کسی را قبول می‌کند که به وسیله نماز در برابر عظمت خدا فروتنی کند، بر مخلوقات او تکبر و خودپسندی نکند، بر عصبان و نافرمانی مصرّ نباشد و روز را به یاد خدا بگذراند (غزالی، ۱۳۷۸: ۱۳).

در قرآن کریم و روایات و دیگر منابع دینی اسلام بر مباحث متنوع اخلاق تأکید شده است که با تأمل و ژرف‌کاوی در آن می‌توان آگاهی لازم را برای شاخه‌های گوناگون پژوهش اخلاقی به دست آورد؛ اما در این پژوهش به آن دسته از مبانی اخلاقی توجه می‌شود که با اخلاق تبلیغ دین در پیوند است. متولیان امور فرهنگی و تبلیغی جامعه، قبل از هر چیز خود باید از نظر درونی و اوصاف اخلاقی شایسته باشند تا زمینه تأثیرگذاری در دیگران را فراهم سازند؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هرکس خودش را در مقام پیشوایی و هدایت مردم قرار دهد، باید تعلیم و تربیت را از خود آغاز کند و تأدیب عملی را بر تأدیب زبانی مقدم بدارد: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ سَبِيلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَمُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ» (سیدرضی، ۱۳۸۴: ح ۷۳). براساس این روایت، مبلغان دین باید نخست خودسازی کنند و کمالات معنوی را در خود فراهم سازند و بعد به ارشاد دیگران بپردازند.

شئون اخلاقی مبلغان دینی

کسانی که کار تبلیغ دین را انجام می‌دهند، دنباله‌رو پیامبران هستند و می‌کوشند تا اندازه‌ای همانند آنان حقایق و ارزش‌های الهی را برای مردم بازگو کنند و زمینه‌ساز

سعادت دنیوی و اخروی بشر باشند. این مقام، شئون اخلاقی ویژه‌ای دارد که شایسته است بیشتر بررسی شوند.

۱. اخلاص در تبلیغ

در اخلاق، به نیت اهمیت ویژه‌ای داده شده و از آن به منزله رکن و پایه رفتار و روح عمل یاد شده است؛ به گونه‌ای که نبودن نیت موجب بی‌ارزش شدن عمل می‌شود. اخلاص در عمل، والاترین صفت انسانی و اخلاقی است که بر تارك همه فضیلت‌های اخلاقی قرار دارد و ملاک پذیرش و درستی رفتارها و عامل رهایی از چنگال شیطان است. براساس آیات قرآن، تبلیغ مخلصانه از مهم‌ترین ویژگی‌های پیامبران و مبلغان دین الهی به‌شمار می‌آید.

«اخلاص» در لغت به معنای خالص کردن، پاک کردن و برگزیدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۲۶ و ۲۷). مقصود از اخلاق در فرهنگ اسلامی، پاک کردن نیت از غیر خدا و انجام دادن عمل برای خدا است (رفیق العجم، ۱۹۹۹م: ۲۶). حقیقت اخلاص، انجام دادن عمل برای خدا و با انگیزه تقرب به اوست (طوسی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰: ۲۲۰).

در قرآن بارها به حقیقت اخلاص پرداخته شده است؛ هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر خورشیدپرستان و ماه پرستان و ستاره پرستان قرار گرفت و در مقام تبلیغ آنان برآمد، با بهترین بیان به حقیقت اخلاص اعتراف کرد: ﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (انعام، ۷۹). برپایه روایتی از امام صادق علیه السلام این آیه درباره اخلاص حضرت ابراهیم علیه السلام در مقام تبلیغ است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰: ۲۲۷). در آیه دیگر، خداوند درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: ﴿قُلْ إِن صَّلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (انعام، ۱۷۹). در آیات زیادی تأکید شده است که پیامبران در برابر تبلیغ رسالت الهی، هیچ درخواست و چشم داشت مادی نداشتند و اجر تبلیغ آنان بر عهده خداست: ﴿وَمَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (شعراء، ۱۰۹؛ شوری، ۲۳؛ انعام، ۹۰).

برپایه آیات و روایات، نیت مبلغ در تبلیغ معارف دینی باید برآوردن رضایت خداوند و ادای تکلیف دینی باشد. همچنین، در روایات با تعبیر گوناگون، پرهیز از ریا و توجه به





اخلاص در تبلیغ یادآوری شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر بنده‌ای خطابه‌ای ایراد کند، خداوند از او می‌پرسد که هدف او از خطابه چه بوده است» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۰: ۲۰۰).

۲. شجاعت

ابلاغ رسالت و تبلیغ دین الهی در بسیاری از موارد به شجاعت نیاز دارد. این شجاعت هنگامی به دست می‌آید که مبلغان دین از کسی جز خدا پروایی نداشته باشند؛ چنان‌که خداوند در وصف انبیا و مبلغان راستین می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾ (احزاب، ۳۹). همچنین، خداوند مؤمنان را به جهاد در راه خدا و نهراسیدن از سرزنش ملامتگران سفارش کرده است: ﴿...يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ...﴾ (مائده، ۵۴). اگر «موسی بن عمران» در برابر زورگویی فرعون و فرعونیان با منطق عالی ایستاد و پیروز شد، به دلیل داشتن روح بلند و شجاعت آن پیامبر الهی بود (شعراء، ۲۹ و ۳۰). خداوند به موسی علیه السلام و برادرش هارون دستور داد: به‌سوی فرعون طغیانگر بروید، با زبان نرم با او سخن بگویید و از او ترسی در دل نداشته باشید که من با شما هستم: ﴿إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ. فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ. ...قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا...﴾ (طه، ۴۳ تا ۴۶).

در روایات بسیاری نیز بر نهراسیدن از سرزنش دیگران و شجاعت در بیان حق تأکید شده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۴۱). از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که مبدا ترس از مردم شما را از گفتن حق باز دارد؛ زیرا حق گفتن یا یادآوری امری بزرگ (آخرت) نه مرگ را نزدیک می‌کند و نه روزی را دور می‌سازد (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۰: ۲۰۳). بر اساس روایتی دیگر، رسول خدا ﷺ به ابوذر چنین توصیه کرده است: «در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نهراسید» (همان: ۲۰۶). پیامبر اسلام ﷺ در تبلیغ رسالتش شجاعت و شهامت حیرت‌آوری داشت؛ به‌گونه‌ای که انس بن مالک می‌گوید: «کان رسول الله اشجع الناس». ابن عمر نیز می‌گوید: «کسی بخشنده‌تر و نترس‌تر و شجاع‌تر و پاکیزه‌تر از پیامبر خدا ﷺ ندیدم» (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

۳. صبر و استقامت

یکی از ویژگی‌های مهم پیامبران، صبر و استقامت در برابر ناملايمات است که در بسیاری از آیات بازتاب یافته است. گزارش قرآن از صبر پیامبران سه‌گونه است: دسته‌ای از آیات بیانگر سفارش خداوند درباره صبر است: ﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾ (نحل، ۱۲۷)؛ دسته‌ای دیگر، صبر پیامبران را بازگو می‌کند: ﴿وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا﴾ (انعام، ۳۴)؛ و در بعضی آیات، سخنان پیامبران آمده است که در برابر ناملايمات صبر پیشه می‌کنند: ﴿وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا أَدْبَأْتُمُونَا﴾ (ابراهیم، ۱۲).

یکی از آفات تبلیغ، پیروی مبلغ از خواسته باطل دیگران است. خداوند در آیه ۱۵ شوری از پیامبر می‌خواهد که در دعوت خود پایداری و استقامت داشته باشد و از هواهای مردم پیروی نکند: ﴿فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ﴾. افزون بر آیات قرآن، روایات بسیاری نیز نقش صبر را در فرآیند دعوت پیامبران بازگو می‌کنند (ر.ک: کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۴۵).

۴. شرح صدر

فراخی سینه و شرح صدر، کارهای دشوار و ناملايمات سترگ را در نظر مبلغ آسان و ناچیز می‌نمایاند. حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام بعد از رسیدن به مقام رسالت، از خداوند خواست به او شرح صدر ارزانی دارد: ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ (طه، ۲۰). نمونه زیبای این فضیلت را در سیره انبیای سلف به‌خوبی مشاهده می‌کنیم. قرآن درباره قوم هود و رفتار آن حضرت با آنان چنین گزارش می‌دهد: ﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكََاذِبِينَ. قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف، ۶۶ و ۶۷). در آیه نخست سوره انشراح نیز سخن از شرح صدر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است: ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾. براساس روایتی از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دعای آن حضرت و دیگر پیامبران در روز عرفه این دعا بود: «خدایا، در دلم و گوشم و چشمم نور قرار بده. خدایا، به من شرح صدر بده و کارم را آسان کن» (المتقی الهندی، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۱۹۰ و ۱۹۱).





۵. نرم‌خویی و ملایمت در گفتار

ملایمت و نرمی در گفتار و رفتار با مردم موجب می‌شود مخاطبان به راحتی با مبلغ پیوند برقرار کنند. براساس آیات قرآن، خداوند به پیامبران سفارش می‌کند که با مردم با ملایمت سخن بگویند؛ برای مثال، به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام دستور می‌دهد با برادرش هارون برای دعوت فرعون به سوی او بروند و با نرمی با او سخن بگویند: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه، ۴۴). همچنین، در وصف پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، مهربانی و ملایمت پیامبر را رحمتی از سوی خداوند و سبب گردآمدن مردم پیرامون آن حضرت می‌داند و تصریح می‌کند اگر پیامبر تندخو و نامهربان بود، مردم از گرد او پراکنده می‌شدند: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ قَطًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَفُضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران، ۱۵۹). پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أُمِرْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ»؛ «همان‌گونه‌که به تبلیغ رسالت مأموریت یافته‌ام، به مدارا با مردم فرمان دارم» (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۸).

در روایات با تعبیر گوناگونی به اهمیت نرم‌خویی و مدارا اشاره شده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۷۵، ج ۸: ۲۴)؛ چنان‌که در بعضی از این روایات، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به هنگام اعزام مبلغان، مدارا و سخت‌نگرفتن را به آنان سفارش کرده است (المتقی الهندی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۲۳). رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «آسان بگیرید و سختگیری نکنید و آرامش دهید و بیزاری ایجاد نکنید»؛ «يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا وَ سَكِّنُوا وَلَا تُنْفِرُوا» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۰: ۲۰۳). ایشان هنگام فرستادن معاذ و ابوموسی به یمن فرمود: «آسان بگیرید و سختگیری نکنید و بشارت دهید و بیزاری ایجاد نکنید و از روی میل دعوت کنید و با هم اختلاف نکنید» (همان: ۲۲۴). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به عمر بن حنظله فرمود: «بار (سنگین) بر دوش شیعیان ما مگذارید و با آنان مدارا کنید که مردم، آنچه را بر دوش آنان می‌گذارید، به دوش نمی‌گیرند» (همان: ۲۲۸). نرم‌خویی به معنای لطافت در مواجهه با مردم است، نه سازش با آنان؛ به این معنا که اگر اساس پیام ثابت است، لطافت و نرمش در اسلوب و روش تبلیغ، مطلوب است. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَثَلُ مُؤْمِنٍ چُونِ خُوشَهٗ گندم است که گاه استوار و دگرگاه خمیده است؛ ولی کافر چُونِ سَاقَهٗ خشکی است که همواره راست و خشک است (و حالت خمیدگی ندارد)» (ناجی، ۱۳۷۰: ۶۷۹).

۶. حرص و شوق

یکی از ویژگی‌های مهم پیامبر ﷺ، حرص و شوق او برای نجات انسان‌ها بود. خداوند در بیان حالات پیامبر ﷺ چنین می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾؛ «هرآینه شما را پیامبری از خودتان آمد که به رنج افتادنتان بر او گران و دشوار است. به [هدایت] شما دلبسته است و به مؤمنان دلسوز و مهربان است» (توبه، ۱۲۸). چنین حرص و شوقی در امر تبلیغ دین برای همه دعوت‌کنندگان به ارزش‌های الهی و دینی، ضروری است.

۷. خیرخواهی

تبلیغ باید همراه با خیرخواهی باشد. در قرآن کریم خیرخواهی از اوصاف پیامبران و مبلغان راستین شمرده شده است؛ خداوند درباره نوح علیه السلام می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ (اعراف، ۵۹؛ نیز ر. ک: اعراف، ۶۲). مبلغ برای موفقیت در تبلیغ، به اعتماد مخاطب نیازمند است؛ از این رو، خیرخواهی و امانت‌داری مبلغ، جایگاه ویژه‌ای در نتیجه‌بخشی تبلیغ دارد؛ به گونه‌ای که پیامبران هنگام ابلاغ دعوت، خیرخواهی و امانت‌داری خود را تصریح می‌کردند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸: ۱۵۲)؛ برای مثال، در قرآن درباره خیرخواهی هود علیه السلام (اعراف، ۶۵ و ۶۸)، صالح علیه السلام (اعراف، ۷۹) و شعیب علیه السلام (اعراف، ۹۳) سخن گفته شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان فضیلت رسول اکرم ﷺ فرمود: «زمانی آن حضرت به رسالت برانگیخته شد که مردم در سرگردانی و گمراهی و فتنه غرق شده بودند... او خیرخواهی را به نهایت رساند و در راه راست حرکت کرد و مردم را به حکمت و اندرز نی‌کو فراخواند» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۰: ۲۲۲).

۸. گفتار همراه با عمل

قرآن نبکوترین سخن را از آن کسی می‌داند که به‌سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد و خود را در برابر خدا تسلیم معرفی کند: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ





صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۳۳﴾ (فضلت، ۳۳). در آیه دیگر، خداوند کسانی را که به زبان چیزی می‌گویند و در مقام عمل خلاف آن رفتار می‌کنند، چنین نکوهش کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف، ۲ و ۳) و یهودیان را هم به همین دلیل سرزنش کرده است (بقره، ۴۴). امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: «شما دیگران را با عمل به آیین خود و خوبی‌ها دعوت کنید، نه با زبانتان تا از شما کوشش و راستی و پرهیزکاری ببینند» (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۱۱۳)؛ زیرا در دیدن تأثیری است که در شنیدن نیست و این همان چیزی است که در روان‌شناسی اجتماعی، اهمیت خاصی دارد (ر. ک: رهبر، ۱۳۷۱: ۳۸۷). علی علیه السلام در خطبه‌ای به مردم می‌فرماید: «ای مردم، به خدا من شما را به طاعتی بر نمی‌انگیزم، جز آنکه خود پیش از شما به گزاردن آن بر می‌خیزم و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آنکه خود پیش از شما آن را فرومی‌گذارم»؛ «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُم عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنْهَأُكُمْ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَ أَتْنَاهُ قَبْلَكُمْ عَنْهَا» (سید رضی، ۱۳۸۴: خطبه ۱۷۴). از امام صادق علیه السلام نقل شده است که «خدا پیامرزد کسانی را که برای ما همانند چراغ فروزانند، با اعمال شایسته و تمام توان خویش به سوی ما دعوت می‌کنند» (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۱۲).

براساس گزارش تاریخ صدر اسلام، کسانی که با دیدن رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسلمان شدند، از کسانی که بر اثر گفتار او مسلمان شدند، بیشتر بودند. داستان‌های فراوانی در این باره نقل شده است؛ از آن جمله: «انس بن مالک گوید: جوانی یهودی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را خدمت می‌کرد. هنگامی که آن جوان بیمار شد، حضرت به عیادت او رفت و او را به اسلام دعوت کرد و او پذیرفت... پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برخاست و فرمود: الحمد لله الذي انقذه من النار.» در برخی از روایات، این داستان درباره جوانی یهودی که خار یا خاکستر بر سر راه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌ریخت، نقل شده است (رهبر، ۱۳۷۱: ۳۸۶). در قرآن کریم، داعیانی که خود اهل عمل نیستند، سرزنش شده‌اند: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (بقره، ۴۴). در این آیه از کسانی که به نیکوکاری دعوت می‌کنند و خود را در عمل فراموش می‌کنند، با عنوان «بی‌خرد» یاد شده است. علی علیه السلام فرمود: «خدا لعنت کند کسانی را که امر

به معروف می‌کنند و خود به آن عمل نمی‌کنند و کسانی را که نهی از منکر می‌کنند و خود مرتکب آن گناه می‌شوند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۱۵۱). امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «اگر عالم به علم خود عمل نکند، پند و اندرز او در دل‌ها قرار نخواهد گرفت و فرو خواهد لغزید، همانند قطرات باران از روی سنگ صاف و سخت» (زین‌الدین بن عاملی، ۱۳۶۳: ۵۳). با توجه به اصول روان‌شناسی اجتماعی، کسی که الگوی جمعی از مردم است و رهبری آنان را بر عهده دارد، برای نفوذ معنوی باید خود دارای ویژگی ایمان و عمل باشد تا گفتارش مؤثر واقع شود.

۹. جدال أحسن

اسلام بهره‌گیری از هر سخن و روشی را برای تبلیغ دین نمی‌پذیرد، بلکه آن را در حکمت، موعظه حسنه و جدال أحسن منحصر می‌داند: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ (نحل، ۱۲۵). «حکمت»، سخنی است مبتنی بر علم و عقل که انسان را به حق می‌رساند (راغب، ۱۴۱۶ق: ۲۴۸ و ۲۴۹)؛ به گونه‌ای که هیچ شک و شبهه‌ای نماند (طباطبایی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲: ۳۷۱). «موعظه»، یادآوری نکته‌های عبرت‌آموز (همان‌جا) و کارهای خیر (راغب، ۱۴۱۶ق: ۸۷۶) است که با شنیدن آن دل مخاطب نرم شود و حق را بپذیرد. «جدال»، سخنی است که به‌هنگام نزاع، تنها با هدف برتری بر خصم گفته می‌شود (همان: ۱۸۹) و روشنگری حق را به دنبال ندارد، بلکه از آنچه خصم به‌تنهایی یا همراه مردم قبول دارد، برای ابطال سخن او استفاده می‌شود. قید «أحسن» نیز برای این به‌کار رفته است تا مبلغ را در استفاده از مقدمات کاذب بازدارد و سخنش فقط جنبه مناقضه داشته باشد و بطلان عقیده طرف مخالف را به اثبات رسانده است (طباطبایی: همان‌جا).

بعضی از مفسران، حکمت و موعظه حسنه و جدال أحسن را سه روش تبلیغ دین دانسته‌اند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰: ۲۸۶)؛ اما بعضی دیگر، آن‌ها را درباره محتوا و مضمون تبلیغ تفسیر کرده‌اند؛ یعنی حکمت را به‌معنای قرآن، موعظه حسنه را به‌معنای مواظب قرآن دانسته‌اند و «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» را «وَجَادِلْهُمْ بِالْكَلِمَةِ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» معنا





کرده‌اند و معتقدند منظور از آن، قرآن و بهترین استدلال (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۰۵) یا جدال براساس روش قرآن است که در آن ادب الهی نهفته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۲: ۳۷۷). برخی مفسران نیز تفسیر حکمت به قرآن را با معنای اصلی حکمت که منع است متناسب دانسته و گفته‌اند: «از آنجا که قرآن امر به خوبی و نهی از بدی را در بردارد، بازدارنده و مانع فساد است» (طبرسی: همان‌جا).

مفسرانی که این سه را روش‌های تبلیغ دانسته‌اند، حکمت و موعظه و جدال را به ترتیب با سه روش برهان، خطابه و جدل منطقی مطابقت داده (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۴۸۷) و دلیل آمدن قید «حسنه» برای «موعظه» و «أحسن» برای «جدال» را چنین توضیح داده‌اند: «قید حسنه برای موعظه نشان می‌دهد که موعظه دارای دو بخش «حَسَن و غیر حَسَن» است؛ موعظه غیرحسَن، موعظه‌ای است که واعظ به آنچه فرامی‌خواند، پایبند نباشد و موعظه حسنه، موعظه‌ای است که واعظ، مفاد سخن و دعوت خود را باور داشته باشد و بدان عمل کند. قید «أحسن» برای «جدال» نیز نشان از تقسیم جدال به سه قسم غیرحَسَن، حَسَن و احسن است. قرآن «جدال احسن» را قسم جایز جدال می‌داند و آن جدالی است که خصم را بر لجبازی و عناد تهییج نکند و در آن از نسبت دادن تعبیرهای توهین‌آمیز به خصم و مقدسات او پرهیز شود و مقدمات آن بر دروغ و سخن باطل مبتنی نباشد؛ اما اگر خصم، مقدمه دروغ و باطلی را پذیرفته باشد، استفاده از آن برای نقض سخن او جایز است.

بهره‌گیری از روش‌های موعظه غیرحَسَن و جدال غیراحسن با اهداف دعوت دینی ناسازگار است؛ زیرا به کارگیری این روش‌ها، از میان رفتن حق را در پی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۳۷۲). مفسران، عبارت ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ - که ادامه همین آیه (نحل، ۱۲۵) است - را توضیح منحصر بودن دعوت دینی به این سه روش بیان کرده‌اند؛ به این معنا که خداوند به حال گمراهان و هدایت‌یافتگان به دین آگاه است و می‌داند که تنها همین سه روش، هدایت را به دنبال دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰: ۲۸۸).

از هر يك از این روش‌ها به فراخور صلاح مخاطب و میزان نتیجه‌بخشی آن استفاده می‌شود. گاهی می‌توان برای يك مخاطب خاص، تنها از يك روش یا از همه روش‌ها بهره

برد. بعضی، به‌کارگیری هر سه روش با هم را ضروری دانسته‌اند؛ اما کسانی هم بر این باورند که با توجه به تفاوت ظرفیت و توانایی فهم افراد، هریک از این روش‌های تبلیغی به بخشی از اجتماع اختصاص دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۳۷۲).

۱۰. مراعات ظرفیت مخاطب

تبلیغ آموزه‌های دین و بیان احکام باید با ظرفیت ایمانی مخاطب متناسب باشد؛ از این رو، در زمان پیامبر ﷺ با بیان مرحله‌ای و تدریجی احکام، زمینه روانی پذیرش آن‌ها فراهم می‌آمده است (فضل الله، ۱۳۶۷: ۵۹). براساس روایات (ر.ک: کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۴۰۶-۴۰۷)، تحریم شراب ناظر به همین مطلب است؛ نخستین آیه‌ای که درباره حرمت شراب نازل شد ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا﴾ (بقره، ۲۱۹) بود. این آیه حرام بودن شراب را اعلام کرد؛ اما تعبیر «مَنَافِعُ لِلنَّاسِ» نشان از بسته نبودن همه راه‌هاست. پس از آن، آیه ﴿إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...﴾ (مائده، ۹۰ و ۹۱) در این باره نازل شد و شراب را پلید و عمل شیطان و دوری از آن را مایه رستگاری دانست. در نهایت، با آیه ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْأَثَمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ...﴾ (اعراف، ۳۳)، فرآیند تشریح حرمت شراب پایان یافت. بنابراین، هرگاه خداوند تشریح حکمی را اراده کند، با بیان تدریجی آن، سبب آمادگی روحی مردم می‌شود تا به آسانی و با آرامش آن را بپذیرند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۴۰۷). بیان تدریجی معارف و آموزه‌های دینی، یکی از اصول تعلیم و تربیت به‌شمار می‌آید.





نتیجه

انبیا و اولیای الهی که خود اسوه و الگوی بشر از سوی خداوند هستند، به فضائل اخلاقی آراسته‌اند؛ چنان‌که اگر به خصلت‌های نیک سفارش کرده‌اند، نخست، خود بدان جامه عمل پوشانده‌اند. آیات قرآن و روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام، این اصل مهم را تصریح کرده است:

۱. گاه خداوند درباره این ویژگی‌ها و عملکرد پیامبرانش سخن گفته است؛ برای نمونه، درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم، ۴) یا حرص و شوق برای نجات انسان‌ها را در آیه ۱۲۸ سوره توبه یادآور می‌شود.

۲. گاه خداوند به پیامبران سفارش می‌کند که در امر تبلیغ و تبیین ارزش‌های انسانی به عناصر اخلاقی پایبند باشند. آیات قرآن بر این مطلب دلالت دارد که خداوند به پیامبران یادآوری کرده است که در برابر رسالت خود از مردم چشمداشت مادی نداشته باشند و وظیفه خود را با اخلاص انجام دهند. همچنین، در قرآن درباره برخورداری از شجاعت، صبر و استقامت، نرم‌خویی، گفتار همراه با عمل و جدال احسن در امر تبلیغ، سخن گفته شده است.

۳. در بسیاری از موارد، انبیای الهی در هنگام تبلیغ به بهره‌مندی از فضائل اخلاقی اشاره کرده‌اند. ایشان در آیات مختلف قرآن، خیرخواهی خود را به‌صراحت برای مردم بیان می‌کردند (اعراف، ۵۹، ۶۲، ۶۵، ۶۸، ۷۹ و ۹۳).

۴. پیامبران الهی در هنگام انجام امر تبلیغی خود، از خداوند می‌خواستند که آنان را به فضائل اخلاقی مزین گرداند. براساس آیات قرآن، هنگامی که موسی علیه‌السلام مبعوث شد، از خدا «شرح صدر» درخواست کرد (طه، ۲۰ و ۲۵).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن شعبه حرّانی (۱۳۶۳)؛ *تحف العقول*؛ قم: جامعه مدرّسین.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۴ق)؛ *لسان العرب*؛ ج ۳، بیروت: دار صادر.
۶. اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۲)؛ *فرهنگ اخلاق*؛ قم: جمکران.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۰۷ق)؛ *غررالحکم و درر الکلم*؛ به تصحیح سید مهدی رجائی؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)؛ *وسائل الشیعه*؛ تصحیح مؤسسه آل البيت علیه السلام؛ قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۹. حسینی، سید مرتضی (۱۳۸۳)؛ *اخلاق تبلیغ در سیره رسول خدا*؛ قم: مرکز جهان علوم اسلامی.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)؛ *لغت نامه*؛ تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی (۱۴۱۶ق)؛ *مفردات لألفاظ القرآن*؛ بیروت: ذوی القربی.
۱۲. رفیق العجم (۱۹۹۹م)؛ *مصطلحات التصوف*؛ بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۳. رهبر، محمدتقی (۱۳۷۱)؛ *پژوهشی در تبلیغ*؛ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۴. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق)؛ *تاج العروس من جواهر القاموس*؛ تصحیح علی شیری؛ بیروت: دار الفکر.
۱۵. زین الدین بن عاملی (۱۳۶۳)؛ *مثنیه المرید*؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۶. سید رضی (۱۳۸۴)؛ *نهج البلاغه*؛ قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۵، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبری، ابن جریر (۱۴۱۲ق)؛ *جامع البیان*؛ بیروت: دار المعرفه.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)؛ *الا مال*؛ قم: دار الثقافه.



۲۰. _____ (۱۴۳۰ق)؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۱. غزالی، محمد (۱۳۷۸)؛ اخلاق/سلامی؛ ترجمه محمود ابراهیمی؛ تهران: احسان.
۲۲. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)؛ مفاتیح الغیب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. فضل الله، سید محمدحسین (۱۳۶۷)؛ گام‌هایی در راه تبلیغ؛ ترجمه بهشتی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۴. فیض کاشانی، محسن (۱۳۸۳)؛ المحجبه البیضاء؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ق)؛ الکافی؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۶. _____ (۱۳۷۵)؛ الکافی؛ به‌کوشش غفاری؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. المتقی الهندی (۱۴۱۳ق)؛ کنز العمال؛ به‌کوشش صفوه السقاء؛ بیروت: الرسالة.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)؛ بحار الانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. محمدی ری‌شهری (۱۳۸۰)؛ تبلیغ در قرآن و حدیث؛ ترجمه علی نصیری؛ قم: دارالحديث.
۳۰. مصباح، محمدتقی (۱)؛ کلمه حول فلسفه الاخلاق؛ قم: در راه حق.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)؛ مجموعه آثار؛ ج ۳، تهران: صدرا.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)؛ اخلاق در قرآن؛ قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علی‌السلام.
۳۳. ناجی، محمدرضا (۱۳۷۰)؛ شرایط موفقیت تبلیغ؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۴. نراقی، محمد مهدی (۱۴۰۸ق)؛ جامع السعادات؛ با تعلیقات سید محمد کلانتر؛ ج ۸، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

